

انعکاس ابعاد معنوی مراسم حج در ادبیات معاصر ایران در تطبیق با ابعاد معنوی و نمادین معماری کعبه

چکیده

از دیرباز تاکنون در شعر و ادب فارسی سفر به حج جایگاه والایی داشته است. هر یک از ادیبان و سخنوران و اندیشمندان در حوزه ادبیات از زاویه‌ای خاص به آن نگریسته‌اند و به نمایش شکوهمند آن واقف‌اند. حج نمایشی پرشکوه از اوج رهایی انسان موحد از قید تعلقات مادی و نفسانی و عرصهٔ پیکار نفس اماره و لوازم و پیروزی نفس مطمئنه است میدان عشق به ایزد یکتا و اثبات یقین به توحید یگانگی الهی و ایثار و از خودگذشتگی و مبارزه با هرچه غیر خداست و زدودن تمام افکار غیر الهی و صاف کردن راه دل به سوی منبع حقیقت است. پیکاری که برای هدایت و فرماندهی آن حضرت حق در طول زندگی بشریت یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر را مسئول رهبری قرار داده تا با تعهد به این مهم مسیر حق و رهبانیت الهی بدون هیچ شک و شبهه‌ای پیموده گردد. در این پیکار حق و باطل که سخت‌ترین مرحله خودسازی انسان وارسته و میثاق با حضرت حق است به نوعی انسان نفس اماره خویش را در تابوت جسم گذاشته و مرحله به مرحله تشییع می‌کند تا در قربانگاه قربانیش کند و آزاد و رها از هر قیدوبندی و تسلیم فرامین الهی و فارغ‌البال نردبان ترقی عبودیت و بندگی را طی نماید، در راستای تحقق این هدف والا و ارزشمند گام‌های مؤثر بردارد. در این پژوهش تلاش بر آن است که به شیوهٔ کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی و به بهره‌مندی از اندیشهٔ شاعران و ادیبان معاصر بیشتر پرده از این اسرار برداشته شود و حج‌گزاران الهی از طریق بینش ادبا و علما بهتر با فلسفه عظیم قربانی نفس آشنا شوند.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت ابعاد معنوی سفر حج چگونه در ادبیات معاصر.
۲. بررسی ابعاد معنوی سفر حج در معماری کعبه.

سؤالات پژوهش:

۱. ابعاد معنوی سفر حج چگونه در ادبیات معاصر چگونه بازتاب یافته است؟
۲. ابعاد معنوی سفر حج در معماری کعبه چه بازتابی یافته است؟

کلیدواژه‌ها: حج، نفس انسانی، ادبیات معاصر، خودسازی، هدایت.

مقدمه

«عیب از ماست اگر دوست زما مستور است دیده بگشای که ببینی همه عالم طور است»

(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۲)

حج ابراهیمی زمینه ظهور معنویات و تجلی اسرار الهی در جسم انسانی و انعکاس آن از آینه دل به سوی درون و برون انسان جویای حقیقت است که در این مسیر در پی زلال حقیقت اسرار الهی است. هرچند مؤنان الهی با این عبادت دیرینه آشنایی به قدمت تاریخ دارند، اما چنان شگفتی و عظمتی در راز و رمز این حقیقت نهفته است که هر روز جلوه تازه‌ای از آن کشف و درک می‌گردد که دیگران از دریافت آن عاجز بوده‌اند و به تعداد افراد حج‌گزار، اسرار در این مراسم با شکوه کشف و ضبط می‌شود که شگفتی انسان را برمی‌انگیزاند و انسان ظلوما جهولا را به مسیر روشن حقیقت توحیدی سوق می‌دهد؛ قلب و روح و روان و زبان او را وامی‌دارد که جز توحید هیچ نبیند و با شیاطین درونی و برونی به مبارزه برخیزد و راه را بر ورود آن به جسم و روح خویش بربندد و وجود خویش را دریابد و در اندرون اسرارآمیز و شگفت خویش دنبال کنز مخفی تجلی الهی بگردد تا تعهد و مسئولیت خطیر خویش را به انجام برساند.

«بایدش باربندگی بردن از ستم پیشگان قفا خوردن»

(یغمایی، ۱۳۸۵: ۲۰)

تفسیر فلسفه حج هیچ‌گاه پایان‌پذیری ندارد ذهن و زبان الکن انسان به یک‌باره توان کشف این همه اسرار را در وجود ناچیز خود ندارد و همین است که در سابقه این مناسک باشکوه هرچه قلم فرسوده شده و کتب نوشته شده هنوز ذره‌ای از دریای معرفت الهی شکافته نشده و خورشید حقیقت هنوز در پس پرده به جست‌وجوی بسیاری نیاز دارد تا طلوع واقعی آن به منصه ظهور درآید. خورشیدی که هر کس به ذره‌ای از نور آن دست می‌یابد و مست و مدهوش شده است.

«دست از دامن ای دوست نخواهم برداشت تا من دلشده را یک رمق و یک نفس است»

(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۳)

و می‌انگارد که به کنه مسئله دست یافته و راه حقیقت را دریافته است حج یک فلسفه و اسراری است که جلوه‌های گوناگون آن هر باری تجلی از ربوبیت و خلقت می‌شکافد که ذهن از دریافت یک‌جایی آن عاجز است اسراری که هر کسی از ظن خویش درمی‌یابد، دریایی می‌شود که مؤمنان را به سوی اقیانوس حقیقت می‌برد و از هیچ به همه می‌رسد و از همه به وحدت و یگانگی.

«نسیم قدس به عشاق باغ مژده دهد که دل ز هر دوجهان بی نیاز باید کرد»

(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۸۰)

به قول امام خمینی (قدس سره) حج «یکی دیگر از وظایف مهم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج، آدم بسیار می‌بیند که حج می‌روند، زحمت می‌کشند، لکن مسئله حج را نمی‌دانند...» (امام خمینی، ۱۳۶۶: ۱۹ / ۱)

«ای خوب رخ که پرده‌نشینی و بی‌حجاب ای صدهزار جلوه‌گر و باز در نقاب

با عاقلان بگو که رخ یار ظاهر است

کاوش بس است این همه در جست‌وجوی دوست»

(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۲)

این حقیقت امر است که در عبارتی کوتاه جلوه نموده و پرده از واقعیتی برداشته که صدها کتاب و رساله و مقاله رقم خورده تا بتوانند آن را به اثبات برسانند. زیرا اثر حج به تمام امور زندگی انسان برمی‌گردد و ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، روانشناسی، مذهبی و ملی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و هیچ گوشه‌ای از زندگی نیست تا بی‌نیاز از این فلسفه عظیم الهی باشد. این پژوهش در مسیر خودسازی و فلسفه قربانی و عرفه و شناخت انسان از خود و خلق و معرفت الهی طی طریق می‌نماید تا ره گمشدگان واقعی را با الهام از ذوق لطیف شاعران و سرایندگان معاصر به مسیر حقیقت رهنمون باشد.

بررسی و تحلیل اسرار و فلسفه حج باتوجه به دیدگاه‌ها و نظریات حج‌گزاران سرزمین وحی و شاعران و ادیبان معاصر مسئله اصلی مقاله حاضر است. رویکرد پژوهشی مذکور این امکان را برای پژوهشگران فراهم می‌کند که با ابعاد جدیدی از نبوغ ادبی شاعران معاصر و اسرار و فلسفه‌های حج و اهداف حج‌گزاران مدرن آشنا شوند، زیرا با استفاده از مبانی جامعه‌شناسی، ادبی، روانشناسی و سیاسی در اندیشه‌های شاعران معاصر درباره حج زوایای امر بهتر درک می‌شود. باتوجه به این رویکرد سیاسی، اجتماعی و فلسفه و اسرار نفس اماره و قربانی نمودن در پایان مناسک حج، انتظار می‌رود که تکیه بر مطالعات به روز آثار نویسندگان و شاعران معاصرو بهره‌وری از اندوخته‌های اندیشه‌وران گذشته گوشه دیگر از اسرار الهی در این سفر خطیر رمزگشایی گردد.

در پی سفرهای متعدد به سرزمین وحی الهی بی‌گمان دست‌یافته‌های بی‌شماری از هنرمندان، نویسندگان و شاعر برجای مانده که واکاوی ژرف ساخت افکار آن‌ها و تطبیق آن با مسائل سیاسی روز و رشد و نمو در جوامع بشری و تغییر در ساختار ذهنی بشر و اندوخته‌های جدید محقق آثار مثبتی به بار می‌نشانند و حاصلی سودمند در ابعاد مختلف به ثمر می‌رسانند. حاصلی که از خلال اندیشه‌های مشترک ره‌یافتگان حقیقت دست می‌دهد و ذهن مخاطبان را از سطوح ابتدایی تفکر به علو درجات صعود متعالی می‌گرداند تا با تمرکز در میراث و ثمرات هم‌عصران خویش بهره‌وفای را ببرند و اثرات مثبت این بازیافته‌های ذهنی بیشتر آشکار شود. مقاله پژوهش، تحقیق بخشیدن به این مقوله نظری یعنی تحلیل ژرف ساخت سامانه اندیشگانی شاعران معاصر و امور حج ابراهیمی و تأثیر آن بر خودسازی انسان است.

چندین مقاله و کتاب در باب حج و آثار مادی و معنوی در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی نوشته شده است از جمله: نجفی (۱۳۸۲) در مقدمه «هجرت یا جهانی کردن اسلام»، درباره هجرت رسول خدا و درک هولناک از یک‌سو تاریخ با تمامی اسناد خود نشان از محمدی می‌دهد که در پی آزار و تهدید قریشیان، شبانه از مکه خارج و به‌سوی مدینه هجرت کرد. جلال آل‌احمد (۱۳۶۶) در کتاب «خسی در میقات» مراحل سفر خود را در این سیر روحانی با ظرافت بسیار دقیق ثبت کرده‌اند که گویی خواننده اثر را تا مرحله نهایی گام به گام با خود همراه می‌برد و ابراهیم محرابی (۱۳۷۷) در اثر خود «سفر در تحریر» جلوه‌های ویژه‌ای از حج را توصیف کرده‌اند. یزدانی (۱۳۸۵) در مقاله «حج در آینه شعر فارسی» مناسک حج و انعکاس آن بر شعر فارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر که تأثیر حج را بر ساختار روح و روان انسان و تغییر رفتار و منش او تا رسیدن به خودسازی کامل و پرداختن به حق و حقیقت و تجلی اسرار الهی بر آینه قلبش و انعکاس آن بر روند زندگی وی نشان می‌دهد دل که در محضر شاعران بزرگ به‌عنوان کعبه باطن شناخته‌شده مرکز اسرار و نهفته‌های کعبه ظاهر می‌گردد تا فراز و فرودهای مسیر راه و مبارزات

انسان در برابر ابلیس هزارتلبیس هویدا گردد و نفس سرکش انسان که شیفته زر و تزویر مادی شده است با ریاضت‌های فراوان و دارد که سر تسلیم فرود آورد. سپس به مرحله قربانی در قربانگاه الهی برسد و بنده سراپا تقصیر با قربانی گوسفندی سر عبودیت و بندگی مخلص الهی فرود می‌آورد و تسلیم محض او می‌گردد که در تولید محتوا با ساختارهای مقالات هم‌اندیشان مختلف متفاوت است.

نتیجه‌گیری

درک ذبح نفس سرکش و جاده خاکی انحراف از مسیر حق بعد از سفر پرمخاطره شگفت‌انگیز حج ابراهیمی و دریافت عظمت بی‌چونوچرای الهی و چشم‌ظاهربین انسان که از چهارچوب مادیات و معاملات دنیوی خارج نمی‌شد فراتر رفته و حقایقی را مشاهده کرده که با هیچ‌یک از متاع دنیا قابل معامله نیست و ارزشی بس فزون‌تر از آن دارد که به معامله گذاشته شود و شاید هم بعد از آن انسان با زیرکی و هشیاری و طنازی بسیار با خدایش به معامله می‌پردازد و مسیر دریافت‌ها و فیوضات زندگیش را عوض کرده چشم از خاک و خاشاک برداشته به افلاک و افلاکیان می‌اندیشد و قدم احتیاط برمی‌دارد و با یقین خویش پای در مسیر بزرگان راه می‌گذارد تا فارغ‌البال و رها از هر قیدی ابراهیم‌گونه به مصاف با ناخالصی‌ها بپردازد و اسماعیل نفس خویش را در برابر مقام لایزال الهی قربانی کند و خالص و مخلص از همه امور دنیوی پلی در مسیر اهداف مقدس الهی بسازد. انسان خودساخته‌ای که حقیقت الهی را دریافته پس از بازگشت از این سفر کنش و منش متفاوت دارد و هرگز تن به ذلت و خواری نمی‌دهد. در برابر هر خس و خاشاکی سرسجده فرود نمی‌آورد و عبودیت و بندگی را از آن خدایی می‌داند که این همه هستی را به او ارزانی داشته است. او می‌شود نمونه آزاده‌ای از گونه‌ای که خداوند هدف خلقتش بوده که کنز مخفی تجلی الهی را دریابد و اسرار او را درک کند و از پل دنیا به سوی همیشگی جوار حق حرکت کند. جوار حق را جست‌وجو کردن هیچ آداب و ترتیبی ندارد از هر دلی راهی به سوی او گشوده است، پس به تعداد آفریده‌های الهی راه به سوی خدا است تمام این نشانه‌ها در حکم شیپور بیدارباش ره‌یافتگان است که امید بر یافتن راه در ذات هر فرد افزون کند و میل به حرکت را در این مسیر شعله‌ور گرداند. در معماری کعبه نیز سادگی ساختار و فقدان تزئینات از مهم‌ترین نمادهای معنویه به‌شمار می‌رود.

منابع و مآخذ:

قرآن

ازرقی، ابوالوسید. (۱۳۶۸). ترجمه و تحشیه از دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: بنیاد.

اسدی، علی محمد. (۱۳۹۲). مناسک حج، چاپ سوم، تهران: ندا.

اعتصامی، پروین. (۱۳۶۳). دیوان شعر، چاپ شعر، چاپ هشتم، تهران: فردین.

امام خمینی (ره)، روح‌الله. (۱۳۶۶). صحیفه نور، ۱۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی (ره)، روح‌الله. (۱۳۸۵). دیوان شعر، چاپ چهل و هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ایمان‌طلب، حامد؛ گرامی، سمیه. (۱۳۹۱). «نسبت معنا و شکل تطابق اندیشه معماری مسجد و فرم‌شناسی نماز». هنر اسلامی، ۸، ۱۶، ۵۵-۶۶.

بلخی، مولانا جلال‌الدین. (۱۳۶۳). دیوان شمس به تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر. چاپ سوم، تهران: سپهر.

- بلخی، مولانا جلال الدین. (۱۳۸۷). مثنوی معنوی. تصحیح: محمد استعلامی، چاپ نهم، تهران: سخن.
- تقوایی، ویدا. (۱۳۹۰). «کعبه از حصول شکل تا حضور صورت». مطالعات هنر اسلامی، دوره ۸، ش ۱۵، ۷-۲۰.
- سخن، اسمعیل و همکاران. (۱۴۰۰). «نقش حضرت خدیجه (س) در تبیین انفاق در صدر اسلام و انعکاس آن در عملکرد بانوان ابنیه ساز صفوی». هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۲۵۱-۲۳۴ سپهری، سهراب. (۱۳۶۸). هشت کتاب. تهران: کتابخانه طهوری.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۹۲). با مقدمه و تصحیح دکتر رضا اشرفزاده، چاپ دوم، مشهد: به نشر.
- علیخانی، آرزو؛ خاتمی، سید مهدی. (۱۴۰۰). شهر پیامبر، تأملی بر ساختار شهر در نخستین سال‌های پس از اسلام، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۱۸، ۴۲، ۸۸-۱۰۰.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۳). «کعبه تجلی و تفسیر زیبایی هستی». هنرهای زیبا، ش ۱۷، ۱۵-۸.
- مجله میقات حج. (۱۳۸۲). شماره ۴۳.
- مهرابی، ابراهیم. (۱۳۷۷). سفر در تحریر. چاپ اول، قم: همسایه.
- یغمایی، حبیب. (۱۳۸۵). مجله یغما، چاپ بهمن. تهران: صفی‌علیشاه.